

جایگاه علوم انسانی در میان شاخه‌های مختلف علوم و بایسته‌های آن در نظام جمهوری اسلامی ایران

دکتر محمد حسین فرهنگی*

چکیده

علوم انسانی از آن رو که با انسان سروکار دارد، بدون تردید با سایر علوم متفاوت است و این تفاوت با توجه به شواهد تاریخی قابل اثبات است. ریشه اصلی تفاوت به ارتباط یافته‌های بشری درخصوص روح انسان مربوط می‌شود. در این باره، آورده‌های انبیا به دلیل وحیانی بودن، رویکرد واقع بینانه‌ای دارد. انقلاب اسلامی که با ادعای تداوم راه پیامبران پای در تحولات معاصر نهاد، می‌تواند رویکردهای بدیعی را در این زمینه عرضه کند. باید توجه داشت که مراد، تلاش برای واقع نمایی و پرهیز از رویکردهای ناقص و یک بعدی است که همواره علوم انسانی را در کشور ما گرفتار خود ساخته است.

عوارض نامطلوب خالی ماندن این عرصه از قابلیت‌های پژوهشگران داخلی، با وجود قابلیت‌های ذاتی فراوان، نکته‌ای نیست که کم اهمیت شمرده شود. ارتقاء نسبی جایگاه علوم انسانی و توسعه رشته‌های آن در دانشگاه‌های کشور، ایجاب می‌کند که موانع موجود بر سر راه جهش علمی در حوزه علوم انسانی در سطح بین‌المللی برطرف شده و در ساختارهای آموزشی، پژوهشی و فرهنگی جامعه، جنبش ضروری نرم‌افزاری مورد نیاز پدید آید.

در این مقاله پیشنهادهای دوازده‌گانه‌ای عرضه می‌شود که عبارت‌اند از: ضرورت خودباوری و برقراری ارتباط عملی دو سویه اندیشمندان با یافته‌های دینی و آورده‌های بشری، ایجاد بانک معتبر مقالات علمی زیر نظر اساتید معتقد به نوآوری در علوم انسانی به عنوان سازوکار تعامل مبانی بومی - اسلامی با جهان، ضمن توسعه حضور در بانک‌های موجود، بازنگری در ابعاد مختلف تولید علم در زمینه علوم انسانی و تحول در نظام ارتقاء هیئت علمی و ایجاد کرسی‌های نظریه پردازی و نقد و مناظره، بازنگری اساسی در شاخص‌های ارزیابی کمی و کیفی علوم انسانی، بازنگری در سازوکارهای مجلات علمی - پژوهشی و همچنین رویکرد مراکز تحقیقاتی علوم انسانی، تحول در تفکر حاکم بر جامعه علمی نسبت به نگارش مقاله، ایجاد نظام نمایه سازی

* . عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

استنادی مجلات فارسی زبان، توجه به فرایند خاص تولید علم در حوزه های علمیه، تأکید بر
رهیافت واقعینانه و مسئله محور و تدوین و عرضه نظام جامع فرهنگی کشور.
واژگان کلیدی: انسان، علوم انسانی، انقلاب اسلامی، پژوهش، جنبش نرم افزاری.